



مشارکت فعال والدین در فرآیند آموزش و پرورش: مسائل، چالش‌ها، راهکارها

فاطمه کیانپور لیرهارانی^۱، زبیده ظفریان^۲، طیبه ظفریان^۳

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

kianpour1818913@gmail.com

۲- کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

zafarianarash@gmail.com

۳- کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه محل تحصیل: دانشگاه آزاد شهرستان اردل

qdyrzfry6@gmail.com

چکیده

بدیهی است که رشد و توسعه‌ی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای مستلزم شناسایی و از میان برداشتن موانعی است که بر سر راه مشارکت مردم و والدین در این امر مهم و حساس وجود دارد. با اذعان به این نکته که دانش‌آموزان بخش عمده‌ای از زمان خود را در خانه سپری می‌کنند و فرآیند یاددهی - یادگیری آنها در خانه تکمیل می‌شود، بنابراین نیاز است والدین و مدارس مشارکت بیشتر و بهینه‌تری داشته باشند تا با مشارکت بهینه آموزش و پرورش قادر باشد که در راستای توسعه کشور، گامهای مهمتر و ارزشمندتری بردارد. در حال حاضر عوامل مختلفی بر مشارکت والدین در مدارس تاثیر می‌گذارند. در همین راستا این پژوهش درصدد آن است تا با شناسایی این عوامل و راههای افزایش مشارکت مؤثر اولیاء در مدارس گامی در جهت رسیدن به رشد و توسعه‌ی امر آموزش و پرورش بردارد.

کلید واژه: مشارکت، والدین، آموزش و پرورش، خانواده، موانع

مقدمه

نظام آموزش و پرورش به عنوان مهمترین و حساسترین زیرنظام اجتماعی نیازمند مشارکت فعال اعضای جامعه به ویژه اولیاء می‌باشد. تافلر آموزش و پرورش قرن بیست و یکم را آموزش و پرورش مبتنی بر دانایی و قوه تفکر میدانند. گفتنی است که وی بر ضرورت مشارکت در امر آموزش و پرورش در آینده تأکید دارد و می‌گوید، هرگز در طول تاریخ مثل امروز و آینده موضوع ارتباط و مشارکت در امر آموزش و پرورش دارای اهمیت نبوده است. بر همین اساس است که بسیاری از پژوهشگران متوجه این حوزه خطیر و گسترده شده‌اند و در جهت رشد و اعتلای امر مهم آموزش و پرورش به بررسی عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. یکی از این عوامل مهم و اثرگذار، مشارکت است. موضوع مشارکت و چگونگی تحقق آن، ریشه در تاریخ دیرینه‌ی ملتها دارد و جوانبی از آموزش و پرورش بسیاری از کشورها، از جمله آموزش و پرورش کشور ما نیز بر پایه‌ی آن استوار بوده است. امروزه این مفهوم اهمیت دو چندانی پیدا کرده است و مشارکت در عرصه‌های گوناگون همواره مورد بحث بسیاری از اندیشمندان به ویژه در زمینه‌ی مدیریت و آموزش و پرورش قرار گرفته است (جهانیان، ۱۳۸۹)

مدارس یکی از نهادهای مهم آموزشی و تربیتی جامعه هستند که نیازمند مشارکت فعال همه به خصوص خانواده‌ها می‌باشند. مشارکت جدی خانواده و مدرسه همواره مورد توجه متخصصان امر آموزش و پرورش و خانواده‌ها بوده است، اما گاهی مواقع عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه باعث می‌گردد ارتباط و همکاری بین خانواده و مدرسه به درستی صورت نپذیرد. پژوهشها نشان داده است هر قدر والدین در مسائل مدرسه فرزندانشان بیشتر مشارکت کنند، پیشرفت تحصیلی کودک افزایش می‌یابد.



بنابراین تقویت مشارکت خانواده و مدرسه از پیش نیازهای یک برنامه‌ی مؤثر است که باید مورد توجه قرار گیرد. (امیری، ۱۳۹۱) از اینرو در راستای اهمیت و ضرورت این موضوع، طی این پژوهش درصدد برآمدیم تا با شناسایی موانع و عوامل مؤثر بر مشارکت والدین و ارائه راهکارهایی برای افزایش مشارکت مؤثر اولیاء در مدارس گامی در جهت رسیدن به رشد و توسعه‌ی امر آموزش و پرورش برداریم.

روش تحقیق:

پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و از منظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی-تحلیلی است؛ بنابراین با استفاده از مطالعه منابع کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مقالات داخلی و خارجی در زمینه مورد نظر، گردآوری شده است.

بحث درباره یافته‌ها:

مفهوم مشارکت و فرآیند آن در آموزش و پرورش

مشارکت در حقیقت اهمی است که انسانهایی را که در چنگال ناتوانی گرفتارند به راه توانمندی هدایت کرده، تواناییهای بالقوه آنان را به فعل رسانده و بر قدرتشان برای بهره‌گیری از زندگی بیفزاید و معنی و مفهوم زندگی را برای آنها که درگیرند، گسترده‌تر سازد. (امیری، ۱۳۹۱)

نظام مشارکت، عاملی برای درهم شکستن موانع رشد و پیشرفت و ایجاد فضایی مناسب برای انس و همدلی و اتفاق نظر اولیاء و مربیان است و با ایجاد محیطی گرم و صمیمی برای دستیابی به خواسته‌های مشترک خانه و مدرسه، که همانا تربیت صحیح نسل آینده می‌باشد، تلاش و کوشش داوطلبانه و همگانی را به همراه می‌آورد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اندیشه‌ی مردان را به هم بیفزای آن را که نزدیک‌تر به ثواب و دورتر از شک و شبهه است، برگزین. هر آن که به رأی خود متکی شد، خویشتن را به خطر افکنده و هر کس برای اندیشه‌های تاب آغوش گشود، موارد خطا را خواهد شناخت.» یاری رساندن اولیاء به مدرسه و یاری گرفتن آن‌ها از مربیان، تأثیر مستقیم بر میزان یادگیری مباحث علمی-فرهنگی و به کارگیری آن‌ها در زندگی اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان خواهد داشت. مدرسه می‌تواند با اطلاعاتی که از والدین درباره‌ی فرزندانشان کسب می‌کند، با وضعیت روحی و جسمی دانش آموز آشنا شود و رفتار مناسب را نسبت به او در پیش گیرد و در مسیر فرهنگ و تاریخ جامعه قدم بردارد و دانش آموز را با مزایای عاطفه، مهر و محبت آشنا سازد و یکدلی، یکرنگی، صداقت، صمیمیت، مردم‌داری و سایر فضایل اخلاقی را در او ایجاد کرده و تحکیم بخشد و در صورت نیاز با سایر ارگان‌ها و نهادهای تربیتی جامعه در جهت رشد و تکامل بیشتر دانش‌آموزان همکاری کند. یاری گرفتن اولیاء از مدرسه نیز موجب شناخت بیشتر آن‌ها از توان علمی-آموزشی و وضعیت تربیتی فرزندانشان می‌گردد و با برقراری ارتباط آگاهانه با مدرسه اقدامات لازم را در جهت رشد و کمال آنان انجام می‌دهند. این یاری گرفتن‌ها موجب تعامل بیشتر میان اولیاء و مربیان می‌گردد و باعث می‌شود شناخت و درک عمیق‌تری نسبت به یکدیگر و روش‌های تربیتی حاکم بر خانه و مدرسه پیدا کنند و هماهنگ‌تر عمل نمایند. (امیری، ۱۳۹۱)

ناهماهنگی میان روش‌های تربیتی خانه و مدرسه برای کودکان، نوجوانان و جوانان تبعات منفی به همراه دارد. این موضوع موجب دوگانگی و شاید چندگانگی شخصیت آن‌ها می‌گردد. آنان باید در خانه به خواسته‌ها و تمایلات والدین توجه داشته باشند تا بتوانند حمایت آن‌ها را کسب کنند و در مدرسه نیز باید سعی کنند خود را در چهار چوب قوانین و مقررات مدرسه و خواسته‌های مربیان قرار



دهند. در این وضعیت دانش آموز دچار نوعی سردرگمی شده ، نمی داند کدام یک از دو نهاد تربیتی درست عمل می کنند. بدین ترتیب نقش سایر عوامل تأثیرگذار بر شخصیت او، از قبیل گروه همسالان، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و... پر رنگ تر می شود و او را به سویی خواهند کشاند که می خواهند. تعامل اولیاء با مدرسه همه ی فعالیت های دانش آموز را تحت الشعاع قرار خواهد داد. وقتی پدر یا مادری به مدرسه مراجعه می کند فرزندش احساس غرور و سربلندی می نماید و نیز خود را مقید به رفتارهای پسندیده می سازد، او احساس می کند، والدینش به او و مربیان مدرسه احترام گذاشته اند ، در نتیجه او نیز برای مدرسه و معلمانش احترام قائل خواهد شد و نوعی روحیه ی اجتماعی پیدا می کند و نسبت به جامعه و مسائل مربوط به آن احساس مسئولیت می نماید. دانش آموزان تا اندازه ای مدرسه را شبیه خانه و خانه را شبیه مدرسه می دانند، حال چنانچه انتظارات این دو از دانش آموز شبیه به هم و رفتارشان در یک جهت باشد ، بهترین وضعیت برای تربیت صحیح آینده سازان جامعه رقم می خورد(تشکری ایرانی زاده، ۱۳۸۷).

زمینه های مشارکت والدین در امر آموزش و پرورش

۱- مشارکت در زمینه ی کمک به تحقق اهداف آموزشی و تربیتی
توسعه مشارکت مردم در آموزش و پرورش یک اصل پذیرفته شده است. البته این مشارکت می تواند به طرق گوناگون انجام پذیرد. شاید اولین مورد در امر آموزش و پرورش که فوراً به ذهن متبادر می گردد مشارکت مادی آنها در این امر مهم باشد. لکن گرچه این نوع مشارکت پسندیده و حتی لازم است اما اهمیت آن به اندازه سهم والدین در کمک به تحقق هدف های آموزش و پرورش نیست.

۲- مشارکت در تصمیم گیری مربوط به مدرسه و دانش آموزان
یکی از مهم ترین زمینه های مشارکت والدین در امر تصمیم گیری برای نحوه ی اداره مدرسه می باشد. اولیا با تشکیل انجمن اولیا و مربیان و به دعوت مدیر مدرسه می توانند او را در اتخاذ تصمیم گیری مدرسه مشارکت داشته اند ، برای تحقق و اجرای تصمیمات گرفته شده از هیچ تلاشی دریغ نمی کنند و در نتیجه در عواقب تصمیمات مزبور خود را شریک می دانند. این بدان معناست که چنانچه نتایج مطلوبی به بار آمد تشویق شده و به این کار ادامه خواهند داد و اگر حاصل این تصمیمات نامطلوب بود صرفاً به سرزنش اولیای مدرسه نمی پردازند. در حقیقت زمانی که صحبت از تصمیم گیری در مورد فرزندان خود در میان باشد کسی اولی تر از خود والدین نمی باشد.

۳- مشارکت در تعیین اهداف آموزش و پرورش
از آنجا که والدین به طور ملموس با مشکلات و مسائل فرزندان دانش آموز خود سر و کار دارند بیشتر از هر کس دیگری می توانند در زمینه ی هدف های آموزش و پرورش اظهار نظر کنند. به عبارت دیگر در تعیین اهداف آموزش و پرورش اولیا می توانند نقش به سزایی ایفا نمایند و در این زمینه مشارکت فعال داشته باشند.

۴- مشارکت در تعیین رهبران آموزشی
همان طور که در بند دو متذکر گردید چنانچه گروهی برای امر خاصی تصمیم گیری نمایند ، نتایج مطلوب یا نامطلوب حاصل از آن تصمیم گیری را تقبل کرده و برای تحقق آن تصمیمات تلاش می نمایند. اولیا نیز می توانند در امر انتخاب مدیر مشارکت داشته باشند. البته این امر اکنون به طور غیرمستقیم و غیرمستقیم است لکن چنانچه از طریق مراجع قانونی چنین اختیاری به اولیا داده شود ، آنگاه در جهت اداره مدرسه پیگیری های بیشتری خواهند کرد و خود را ملزم به تحقق اهداف مدرسه در جهت تعلیم و تربیت فرزندان خویش می دانند.(مرادی، ۱۴۰۱)

۵- کمک به توسعه و ارتقای فناوری در آموزش و پرورش
در آستانه قرن بیست و یکم و آغاز هزاره ی سوم ، عدم آشنایی به نحوه ی استفاده از اینترنت این شاهراه جهانی و ندانستن زبان این ابزار مدرن اگر نگوییم مایه شرمساری است ، موجب ناآگاهی از وقایعی است که در گوشه و کنار جهان می گذارد. اگر ما قرار است خود را جزء جامعه بشری بدانیم باید مجهز به زبانی باشیم که بتوانیم با این جامعه جهانی ارتباط برقرار کنیم. هم مجهز شدن به تکنولوژی



اینترنت و هم داشتن مهارت استفاده از زبان بین‌المللی، مشارکت همه جانبه‌ی دولت و مردم را می‌طلبد. اقدام والدین در تجهیز مدارس به کامپیوتر و گزینش معلمانی خبره و کارآمد که بتوانند زبان را به طور کاربردی آموزش دهند از دیگر جنبه‌هایی است که ضروری به نظر می‌رسد.

۶- مشارکت در امر آموزش‌های ضمن خدمت به ویژه آموزش کامپیوتر و اینترنت

دانش معلمانی که دیروز آموزش دیده‌اند برای نسل امروز که خود سازندگان امیدهای مملکت در آینده هستند، کارآمد نیست. معلمان ما باید دانش خود را روز (up-to-date) نمایند. به روز کردن اطلاعات معلمان خود مسأله‌ای است و فراغت فکری و خیال آسوده ی معلمان را می‌طلبد. این قشر زحمت‌کش چنانچه در معیشت خویش دچار زحمت باشند، تصور نمی‌شود به فکر بازآموزی خویش باشند و تازه اگر هم بخواهند در این اندیشه باشند تجهیزات لازم و از آن جمله کامپیوتر و دسترسی به اینترنت برایشان اگر کاملاً ناممکن نباشد، بسیار دشوار است. لذا مشارکت اولیا و دولت در این جهت نیز می‌تواند تا حد زیادی کارگشا باشد. (مرادیان، ۱۴۰۱)

دلایل مشارکت والدین در مدارس

موضوع مشارکت والدین در تربیت فرزندان، قدمتی طولانی در تاریخ آموزش و پرورش دارد و بنیاد آن به فیلسوفان یونانی مخصوصاً افلاطون و ارسطو برمی‌گردد. از چالش‌های مهم برای بسیاری از برنامه‌ریزان آموزشی و درسی ایجاد زمینه‌ای مناسب برای مشارکت بیشتر همه‌ی سطوح در امر اداره‌ی منطقه آموزشی است که در این میان ایجاد بستری مناسب برای مشارکت اولیا در اداره مدارس ضروری به نظر می‌رسد. برای پیشبرد برنامه‌های آموزشی چاره‌ای جز مشارکت دادن کلیه‌ی عوامل و عناصر انسانی مؤثر نیست. بیگلی (۱۹۹۶) در تحقیقی که در زمینه مشارکت والدین در تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزی انجام داده، دلایل اصلی برای مشارکت والدین در تصمیم‌گیری‌های مدارس بر شمرده که عبارتند از:

الف) منطق (دلیل) آموزشی: این دلیل به این موضوع اشاره دارد که توانایی موفقیت علمی بچه‌ها منوط به مشارکت فعال والدینشان در تصمیم‌گیری‌های مدرسه می‌باشد.

ب) منطق سیاسی و اجتماعی: این منطق بر این باور است که اهداف مدرسه به ایده‌های سیاسی و اهداف کلی جامعه مربوط می‌باشد. بنابراین با مشارکت فعال والدین در امور مدارس این اهداف حاصل می‌گردند. این منطق بیشتر بر اساس رویکردهایی است که آموزش و پرورش را به مثابه‌ی یک ساختار اجتماعی به حساب می‌آورد.

ج) منطق عملی: بر کارایی و اثربخشی عملکرد مدرسه خصوصاً در حوزه مدیریتی متمرکز است و بر این محور تأکید دارد که مشارکت والدین در تصمیم‌گیری‌ها باعث می‌شود که مدارس برای ارائه‌ی خدمات، قدرت بیشتری کسب کنند و بهتر خدمات ارائه دهند. این سه منطق به طور کلی آموزش و پرورش را به مثابه‌ی یک فرایند می‌نگرد. (قریشی و عبداللهی، ۱۳۹۴)

عوامل مؤثر بر مشارکت والدین در آموزش و پرورش

ویژگی‌های مربوط به والدین از جمله عوامل تاثیرگذار بر میزان مشارکت والدین است. به عنوان مثال میزان تحصیلات والدین از عوامل تاثیرگذار است. والدین تحصیل کرده بیشتر در فعالیت‌های مشارکتی خود نقش داشته دارند (بونک و همکاران، ۲۰۱۸)، بیشتر از کتابهای آموزشی استفاده می‌کنند و از معلمان خصوصی برای حمایت از آموزش کودکانشان استفاده می‌کنند در مقابل والدینی که تحصیلات کمی دارند که از مشارکت والدین کمتر استفاده می‌کنند زیرا والدین فاقد توانایی یا تمایل به کمک هستند.

برخی پژوهش‌ها جنسیت والدین را نیز از عوامل تاثیرگذار ذکر و بیان کردند که مادران در مقایسه با پدران احساس مسئولیت‌پذیری بیشتری در زمینه وظایف والدین برای خود قائل‌اند (امیری، ۱۳۹۱).

در میان ویژگی‌های والدین، ویژگی‌هایی از قبیل میزان تصمیم‌گیری والدین، میزان اعتماد و علاقه اولیا، موقعیت اجتماعی اقتصادی بر میزان مشارکت والدین مؤثر است.

باورهای خود اثربخشی والدین نیز بر میزان مشارکت آنها تأثیرگذار است. خود اثربخشی بیانگر میزان اعتماد فرد به توانایی‌هایش در



انجام تکالیف خاص است. در واقع والدین اگر احساس کنند که توانایی کمک دارند، درگیر خواهند شد (هریس و گودال، ۲۰۰۸). دانش آموزان و ویژگی‌های آنان نیز از جمله عوامل موثر بر مشارکت والدین هستند. در خصوص تاثیر دانش‌آموزان بر میزان مشارکت والدین می‌توان گفت که هر چه انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان از دیدگاه والدین بیشتر باشد، هر چه عملکرد دانش‌آموزان در دیدگاه والدین مورد ارزیابی قرار گیرد و هر چه دلهره و اضطراب دانش‌آموزان از شکست کمتر باشد در میزان مشارکت والدین در آموزش و پرورش تاثیر گذار است (عظیمی، ۱۳۹۵). همچنین مشارکت والدین در آموزش و پرورش کودکان به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و جنسیت فرزندان نیز وابسته هست (شیربگی و همکاران، ۱۳۹۴).

سن دانش‌آموزان نیز از عوامل تاثیرگذار بر مشارکت والدین است. مشارکت والدین بر یادگیری در مقطع ابتدایی بیشتر از متوسطه تاثیر می‌گذارد. مشارکت در طول زمان، با افزایش سن کودکان کاهش می‌یابد (شیربگی و همکاران، ۱۳۹۴). ویژگی‌های مدرسه نیز بر میزان مشارکت والدین تاثیر گذار است. عواملی نظیر امکانات و تجهیزات مدارس، نوع ساختار و فرهنگ مدرسه از جمله عوامل تاثیرگذارند.

خصوصیات مدیر مدرسه (نگرش وی درباره توانمندی‌های فکری والدین) و دانش مشارکت مدیران، دیدگاه مدیر درباره اداره مدرسه (سبک رهبری مدیر) نیز بر میزان مشارکت والدین در تصمیم‌گیری‌های مدرسه نقش دارد. نظام‌های موجود نیز از عوامل تاثیرگذار بر مشارکت والدین معرفی شده‌اند. مشارکت والدین در آموزش وابسته به نظام آموزشی (مدارس، اداره‌های آموزش و پرورش، سازمانهای آموزش و پرورش و ...)، نظام‌های فرهنگی-اجتماعی (خانواده، موسسه‌های فرهنگی، موسسه‌های اجتماعی)، نظام اقتصادی (سازمانها و مؤسسات اقتصادی)، نظام سیاسی و ... است.

در نهایت عوامل مؤثر بر میزان مشارکت والدین در مدرسه، به‌طور کلی در سه دسته معرفی شده‌اند. عوامل اجتماعی شامل: احساس بی‌قدرتی و اعتماد اجتماعی، عوامل خانوادگی شامل: میزان رعایت احترام به نظرات دیگران، میزان مشورت و همفکری با یکدیگر و میزان کمک در انجام کارها توسط اعضای خانواده و عوامل فردی شامل: میزان تمایل به مشارکت، میزان درآمد و سطح تحصیلات تقسیم می‌شوند. بین میزان درآمد، میزان تحصیلات، میزان تمایل به مشارکت، اعتماد اجتماعی، میزان رعایت احترام به نظرات دیگران، میزان مشورت و همفکری اعضای خانواده با یکدیگر و میزان کمک در انجام کارها توسط اعضا خانواده با میزان مشارکت ارتباط مستقیم وجود دارد. بین احساس بی‌قدرتی و میزان مشارکت ارتباط غیرمستقیم مشاهده شده است. (آیتی و همکاران، ۱۳۹۹)

مزایای مشارکت اولیاء در مدرسه

مزایای مشارکت اولیاء در امور مدرسه عبارتند از:

- تأکیدی است بر شأن و منزلت انسان‌ها.
- موجب خود کنترلی دانش‌آموز می‌گردد.
- موجب افزایش هماهنگی و همکاری خانه و مدرسه می‌گردد.
- موجب تحکیم شخصیت سالم در دانش‌آموز می‌گردد.
- موجب افزایش حس مسئولیت در اولیاء و مربیان می‌شود.
- روابط واقع‌بینانه میان مربیان و اولیاء گسترش می‌یابد.
- دانش‌آموزان در یادگیری مطالب درسی احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند.
- مدرسه راحت‌تر اداره می‌شود.
- وقت مربیان آزادتر می‌شود (به جای پرداختن به کنترل دانش‌آموزان، به برنامه‌ریزی و هدایت مدرسه اهتمام می‌ورزند).
- مزایای فوق و مزایای دیگر مشارکت اولیا در امور مدرسه، نهایتاً منجر به بهبود شرایط آموزشی، فرهنگی و اجتماعی می‌شود که این امر حال و آینده جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (امیری، ۱۳۹۱)



موانع مشارکت اولیاء در امور مدرسه

با وجود دلایل و طبقه‌بندی‌های مختلفی که در مورد مشارکت والدین ارائه شده و نیز نتایج تحقیقات که نشان دهنده‌ی رابطه‌ی مستقیم بین مشارکت اولیا و موفقیت دان آموزان است، مشارکت والدین در امور آموزشی مدارس، خصوصاً تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌ی درسی بسیار اندک و پایین است. لذا دلایل عدم مشارکت والدین نیز قابل تأمل و توجه می باشد. وفادار و جوان بخت اول (۱۳۸۳) موانع مشارکت والدین را به سه حیطه‌ی کلی تقسیم‌بندی کردند.

موانع عمده ارتباط اولیاء و مربیان را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

الف - عوامل مربوط به معلم : در مورد معلمان می‌توان گفت که گاه برخوردهای نسنجیده و ناآگاهانه یا آگاهانه برخی از معلمان جرأت حضور در مدرسه را از اولیاء می‌گیرد. به طور مثال کمبود اعتمادبه‌نفس که می‌تواند ناشی از عوامل مختلف منجمله کمبود تخصص حرفه‌ای باشد باعث می‌شود که بعضی از معلمان در مقابل اولیاء به خصوص اولیایی که دارای تحصیلاتی بالاتر از آنان می‌باشند حالت دفاعی به خود بگیرند و مراجعه اولیاء به مدرسه و نگرانی آنان در مورد وضعیت تحصیلی فرزندشان به عنوان تهدید، برای خود و زیر سؤال قرارگرفتن روش‌ها و اقدامات آموزشی خود تلقی نمایند. از طرفی ممکن است برخی از معلمان به خصوص در مناطق محروم با داشتن پیش‌داوری منفی در مورد اولیاء بی‌سواد و مقصر دانستن خانواده در امر شکست تحصیلی دانش‌آموزان نتوانند رابطه ثمربخشی با اولیاء برقرار نمایند.

ب- عوامل مربوط به مدرسه : بسیاری از جلسات مدرسه برای اولیاء در محیطی خشک و رسمی با برنامه‌های مشابه و کسل کننده برگزار می‌شود. اولیاء معمولاً در تنظیم و تهیه محتوای برنامه‌ها نقشی ندارند و شنوندگان خاموشی محسوب می‌گردند که از آنان انتظار می‌رود برنامه را آن طور که برایشان تنظیم شده است دنبال کنند. محتوای برنامه‌ها در بسیاری از مواقع تناسبی با نیازها و انتظارات اولیاء که دارای فرهنگ‌ها و نگرش‌های مختلف هستند ندارند. از طرفی در این جلسات جای معلمان که صاحب‌خانه‌های اصلی هستند خالی است در حالی که حضور آنان نه تنها ضروری است بلکه عاملی مهم در جلب اولیاء به مدرسه محسوب می‌گردد.

ج- عوامل مربوط به اولیا : موانع ارتباطی خانه و مدرسه تنها به معلم و مدرسه محدود نمی‌شود. شرایط فرهنگی - اجتماعی برخی از اولیاء به خصوص تجربیات قبلی آن‌ها از مدرسه می‌تواند خود مانعی در راه ایجاد ارتباطات ثمربخش گردد. بسیاری از اولیاء از طبقات اجتماعی محروم اطلاعات کافی در مورد مدرسه ندارند و از وضعیت تحصیلی و حقوق فرزندان خود باخبر نیستند. اینان مشکلات تحصیلی فرزندان خود را کمتر در ارتباط با شرایط سخت مادی، محدودیت‌های فرهنگی و روش‌های تربیتی خانواده می‌بینند و در اکثر موارد آن را به کمبود استعداد و توانایی‌های فرزندان خود نسبت می‌دهند.

از طرفی تصویری که این قبیل اولیاء (که اکثراً مدرسه نرفته و یا نتوانسته‌اند دوره‌ی را به پایان برسانند) از مدرسه دارند همان‌گونه که مطالعات کشورهای دیگر نیز بر آن تأکید داشته است. تصویر مدرسه‌ای است که قضاوت و جریمه می‌کند و بنابراین کمتر حاضرند در چنین محیطی حضور یابند. به خصوص که مدرسه غالباً وقتی آنان را احضار می‌کند که فرزندشان دچار مشکلات درسی یا انضباطی شده است. بدیهی است روش‌های معمول تشکیل جلسات در مدارس برای این اولیاء که ذهنیت مثبتی از مدرسه ندارند موفقیت‌آمیز نمی‌باشد.

در مقابل این گروه اولیایی قرار دارند که با سطح بالای تحصیلات و داشتن نگرش‌های مثبت در زمینه‌ی همکاری با مدرسه طالب مشارکت و همکاری نزدیک با معلم و مسئولین مدرسه در جهت رشد و شکوفایی فرزند خود می‌باشند اما روش‌های معمول و یک‌طرفه جلسات و محتوای برنامه‌ها مورد رضایت آنان نیست (قریشی و عبداللهی، ۱۳۹۴)

راهکارهای افزایش مشارکت اولیاء در مدرسه

برای مشارکت اولیاء در امور مدرسه تدوین راهبردی بر سازمان‌دهی و اتخاذ سیاست‌ها و خط مشی‌هایی که بتوانند مشارکت حداکثری اولیاء را به دنبال داشته باشد، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. البته سیاست مشارکتی باید با سیاست‌های تغییر نگرش مدیران و اولیاء نسبت به برقراری ارتباط با هم و افزایش انگیزه در آن‌ها همراه باشد تا نتایج مؤثر و مناسبی حاصل شود.



دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه

مهمترین راه های مشارکت اولیای دانش آموزان در قلمرو آموزش و تدریس عبارتند از:

- همکاری در ایجاد هماهنگی بین فعالیتهای آموزشی و پرورشی مدرسه و خانواده.
 - شرکت در جلسات مشترک با معلمان برای بهبود فعالیتهای مدارس.
 - مساعدت در شناسایی مشاغل و هدایت تحصیلی و شغلی فراگیران.
 - همکاری در برگزاری مسابقات گوناگون آموزشی و پرورشی مدارس.
 - مساعدت در شناسایی نیازهای آموزشی و پرورشی فراگیران.
- مهمترین راه های مشارکت اولیای دانش آموزان در قلمرو امور مربوط به دانش آموزان عبارتند از:
- همکاری در تهیه هدایا و جوایز به منظور تشویق و ترغیب دانش آموزان
 - همکاری در شناسایی و ارائه ی خدمات به دانش آموزان بی بضاعت.
 - همکاری در برگزاری گردش های علمی، آموزشی و تربیتی دانش آموزان.
 - مشارکت و همکاری در برگزاری مراسمات و تشویق دانش آموزان به انجام فرایض دینی.
- مهمترین راه های مشارکت اولیای دانش آموزان در قلمرو امور مالی و اداری مدارس عبارتند از:
- ارائه ی کمکهای مالی و مادی به مدارس.
 - مساعدت فکری به مدیریت مدرسه در اداره بهتر واحد آموزشی.
 - همکاری در جذب و جلب کمکهای مالی و مادی خیرین به مدارس.

مهمترین راه های مشارکت اولیای دانش آموزان در قلمرو تسهیلات و تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی عبارتند از:

- همکاری در تأمین امکانات بهداشتی و کمکهای اولیه مدارس.
 - مساعدت در تهیه وسایل آموزشی و کمک آموزشی مدارس.
 - مشارکت در بهسازی و زیبا سازی محیط و فضاهای آموزشی.
 - همکاری در تعمیر و مرمت ساختمان و امکانات و تجهیزات مدارس.
- مهمترین راه های مشارکت اولیای دانش آموزان در رابطه با مدرسه و اجتماع عبارتند از:
- حضور فعال در انجمن اولیاء و مربیان مدارس.
 - همکاری در انعکاس نظرات و انتظارات مردم از مدارس.
 - مساعدت در برقراری ارتباط موثر مدارس با مساجد و اماکن مذهبی و دینی.

از دیگر راههای جذب مشارکت والدین در آموزش و پرورش می توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

- ۱- ایجاد فرهنگ مشارکت در جامعه :اولین گام در توسعه و بهینه سازی مشارکت مردمی ، فرهنگ سازی می باشد .در این خصوص باید بستر فعالیت ها و انگیزهای مشارکت در جامعه مشارکت در جامعه ایجاد شود و برای نیل به این منظور به همکاری تنگاتنگ ارگانها و نهادهای دولتی و خصوصی و با آموزش و پرورش نیاز است.
- ۲- بالا بردن سطح آگاهی مردم در جامعه :باید با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات درمردم این باور بوجود آیدکه نظام تعلیم و تربیت با این گستردگی که نامحدود به نظر می آید، همه ظرفیت ها و توانمندیهای دولت و ملت را به یاری می طلبد تا این امر امکانپذیر شود .لذا نمی توان تحقق اهداف تعلیم و تربیت را به تنهایی بر دوش یک نهاد دولتی، به نام وزارت آموزش و پرورش گذارد.
- ۳- بازنگری در مدیریت مشارکتی : برای بازنگری در مدیریت مشارکتی می توان از روشهایی نظیر نوآوری و نونگری در سیستم آموزشی در مسیر مدیریت مشارکتی، تحول در مدیریت و بهبود نظام تصمیم گیری، بهره گیری مناسب از ظرفیت های شوراهای آموزش و پرورش در جهت توسعه مشارکت اولیاء، متخصصان و خیرین، استفاده از رسانه های جمعی ، به ویژه صداوسیما در جهت نهادینه کردن فرهنگ مشارکت، توجیه اولیا و مربیان در سطح منطقه و استان از راه برگزاری جلسات آموزشی استفاده کرد.
- ۴- تکریم منزلت مشارکت کنندگان :چنانچه مدیران و سایر همکاران ایشان در مدرسه ، بر اساس اصل کرامت ذاتی انسان و نیز



طرح تکریم ارباب رجوع، در مواجهه با والدین و متخصصان و خیرین و دیگر مراجعه‌کنندگان از روشی توأم با رفتاری کریمانه، بزرگوارانه و نیز حفظ منزلت آنان استفاده کنند، قادرند بالاترین میزان مشارکت آنها را برانگیزند و در نتیجه به هدف مشترک خانه و مدرسه، که تحقق آرمان‌های تعلیمی و تربیتی است، نائل گردند.

۵- تقدیر از اعضای انجمن اولیاء و مربیان، متخصصان، خیرین و افرادی که مشارکت مطلوب در مدرسه دارند: تقدیر از افراد ذکر شده فعال، ممتاز و خیر که به نوعی در برنامه‌های مختلف مدرسه ایفای نقش می‌کنند، نه تنها آنان را در تداوم چنین امری بر سر شوق می‌آورد؛ بلکه موجب برانگیختن قابلیت‌های سایر اولیا برای تحقق مشارکت نیز می‌شود.

۶- انعکاس نتایج مشارکت مردمی به اولیاء: انعکاس نتایج مشارکت به اولیاء که باعث موفقیت دانش‌آموزان شده است، آنان را بر سر شوق می‌آورد تا با مشاهده آثار موفقیت و قابل افتخار فرزندان، نه تنها برای تداوم این امر بیش از پیش بکوشند، بلکه برای همکاری با مدارس که موجب چنین توفیق و افتخاری شده‌اند نیز آمادگی بیشتری نشان دهند. (قریشی و عبداللهی، ۱۳۹۴)

نتیجه‌گیری

موفقیت در تعلیم و تربیت بدون مشارکت خانواده‌ها در زمینه‌های مختلف امکانپذیر نیست. زمانی فرزندان ما به اهداف عالی تربیتی و آموزشی دست خواهند یافت که هر دو نهاد خانه و مدرسه احساس مسئولیت کرده، نسبت به وظایف خود هماهنگ عمل کنند و در تربیت دانش‌آموزان روشهای یکسانی به کار گیرند. پژوهشهای صورت گرفته در زمینه ارتباط اولیاء با مدارس و مشارکت آنها در امور تحصیلی فرزندان، نشان داده است که مشارکتهای والدین دانش‌آموزان در مدارس همواره با مشکلاتی مواجه بوده و بنا به دلایلی از جمله عدم آگاهی و شناخت والدین، برخورد نامناسب مسئولین مدارس، عدم توانایی معلمان در جلب مشارکت والدین و سایر مسائل اقتصادی، فرهنگی و... مؤثر و مفید واقع نگردیده است. عدم برخورداری والدین از مهارت و تجربه لازم جهت مشارکت در امور مدرسه و عدم آگاهی با نحوه مشارکت مؤثر یکی از موانع و مشکلات عمده‌ای است که در این زمینه وجود دارد و در تحقیقات مختلف به آن اشاره شده است. بنابراین یکی از راههای ممکن، برای دستیابی به هدف مهم افزایش ارتباط اولیاء با معلمان و مربیان و مشارکت هرچه بیشتر آنان در امور مدارس که به رشد بیشتر تعلیم و تربیت و هماهنگسازی آن با تغییرات پرشتاب جامعه منجر می‌شود، این می‌تواند باشد که پژوهشگران و مسئولین امر به بررسی و شناسایی موانع موجود اثرگذار در امر مشارکت والدین پرداخته تا از این طریق بتوانند با حذف این موانع، زمینه مشارکت حداکثری والدین در مدارس را فراهم آورند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. شایسته است با فرهنگسازی صحیح در جامعه از طریق مراجع دینی، رسانه‌ها، کتابها، سمینارها و کارگاههای آموزشی و... این مهم بین والدین و سایر افراد جامعه نهادینه شود که کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره هیچ کدام نباید بهانه‌ای برای کمبود یا عدم مشارکت آنها در امور تعلیم و تربیت فرزندان باشد و مشارکت در امور آموزشی و تربیتی فرزندان باید در درجه اول اهمیت قرار گیرد.

۲. والدین از طریق رسانه‌های عمومی و برگزاری جلسات آموزشی با حضور مسئولین مدارس با اهداف و کارکردهای مدرسه آشنا شوند.

۳. برگزاری کارگاهها و جلسات آموزش خانواده برای آگاهی خانواده‌ها از اهداف و انتظارات مدرسه، وظایف والدین در قبال فرزندان، نحوه مشارکت مؤثر در امور تعلیم و تربیت و پیامدها و فواید آن بسیار مفید و کارساز است.

۴. با توجه به تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها بهتر است مسئولیت آموزش دانش‌آموزان بر عهده معلمان باشد و والدین بیشتر در زمینه مسائل تربیتی فرزندان مشارکت کنند و در صورت لزوم و با تشخیص معلمان در امور آموزشی مشارکت کنند.

۵. وجود نیروی متخصص و آموزش دیده که به عنوان یک رابط و هماهنگ‌کننده برنامه‌ها و فعالیتها بین مدارس و والدین و سازمان آموزش و پرورش عمل کند و با انجام بررسی‌ها و تحقیقاتی در این زمینه مسئولین و والدین را در مورد اصلاح و تجدید نظر در برخی مقررات، روابط و فعالیتها جهت رفع موانع و افزایش مشارکت اثربخش اولیاء در مدارس مجاب نماید، می‌تواند مفید و مؤثر باشد.



منابع

- آیتی، محسن؛ اسدی یونسی، محمدرضا؛ سورگی، فائزه. (۱۳۹۹). عوامل موثر بر میزان مشارکت والدین. In: The 1st National Conference of the Future School - 2019, 2019, Ardabil.
- امیری، شیلا. (۱۳۹۱). بررسی پدیدارنگارانه‌ی درک و تجربه والدین و معلمان از " مشارکت والدین در آموزش و پرورش " : مطالعه موردی مدارس دخترانه کرمانشاه ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.
- تشکری ایرانی زاده، رویا. (۱۳۸۷). مشارکت اولیاء در فرایند تعلیم و تربیت . مجله پیوند، شماره ۳۴۲-۳۴۳ صص ۶۴-۶۸
- جهانیان، رمضان. (۱۳۸۹). بررسی راههای ایجاد و تقویت مشارکت مردم در آموزش و پرورش ، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، شماره ۳
- شیربگی، ناصر؛ عزیزی، نعمت اله و امیری، شیلا. (۱۳۹۴). واکاوی مفهوم مشارکت و مداخله در آموزش فرزندان از دیدگاه والدین و معلمان. مجله علوم تربیتی، شماره ۱۰۱ ، ۵۴ - ۲۱ .
- عظیمی، سعیده (۱۳۹۵). بررسی عوامل جامعه شناختی مؤثر بر تقویت مشارکت مردم در آموزش و پرورش شهرستان گلوگاه (پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه البرز).
- قریشی، محمد؛ عبداللهی، بیژن. (۱۳۹۴). شناسایی موانع مشارکت والدین در مدارس شهرستانهای غرب استان تهران، همایش ملی پژوهش‌های کاربردی علوم‌های فنی مهندسی و مدیریتی در عرصه دانشگاه، صنعت و مدیریت ایران، تهران
- مرادی، صغری. (۱۴۰۱). زمینه‌های مشارکت خانواده در امر آموزش و پرورش، نهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم
- نصیری، محمد. (۱۳۸۷). مشارکت اولیاء در فرایند تعلیم و تربیت . ماهنامه پیوند ، شماره ۳۴۲ ، صص ۶۸-۶۴
- Boonk, L., Gijsselaers, H. J., Ritzen, H., & Brand-Gruwel, S. (2018). A review of the relationship between parental involvement indicators and academic achievement. *Educational Research Review*, 24, 10-30.
- Harris, A., & Goodall, J. (2008). Do parents know they matter? Engaging all parents in learning. *Educational research*, 50(3), 277-289.